

مجله علمی ایرانی

تقد و بررسی کتاب

- سرگذشت مطبوعات ایران / محمدرسول دریاگشت
- تصویر در کتابهای چاپ سنگی فارسی / داریوش تهماسبی زاده
- زنده جاری / م. آزاد

موضوع بحث ما درباره کتاب دو جلدی «سرگذشت مطبوعات ایران» کار ارزشمند آقای سیدفرید قاسمی است. با این سن و سال کم (متولد ۱۳۴۳) ماشاءالله کار سنگین و ماندگاری ارائه داده است که حاصل تجربه و کمال پختگی اوست. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها مشترکاً این اثر مفید را عرضه داشته‌اند. سعادت هم با من یار شد که در شماره قبل بخارا (۱۷) و این شماره به دو کار از یک مقوله بپردازم. هنوز گرمی قلم دفعه پیش را در دستم حس می‌کردم، که بلافاصله به معرفی، نمی‌گویم تجزیه و تحلیل و بررسی سرگذشت مطبوعات ایران تألیف دوست پرکار گرامی آقای سیدفرید قاسمی پرداختم. آقای دهباشی از سر محبت و عنایتی که به نگارنده دارد، دوره‌ای از این مجموعه را لطف کرد و یک فرصت پانزده روزه هم قائل شد تا این وظیفه شیرین را به عهده گیرم. این فرصت کم آنقدر نبود که محتوای دو جلد را که بالغ بر ۲۰۷۰ صفحه است با حوصله بخوانم و غوررسی کنم. پنج روز اول را تورقی کردم و به طور سطحی و گذرا خواندم و یادداشتهایی را برداشتم، بقیه روزها را مشغول نوشتن، و بعد پاکتویس آن شدم، بعد هم ارسال برای آقای دهباشی. بنابراین نباید انتظار داشت به همه جوانب قضیه رسیدگی کرده باشم. کار عظیم و گسترده‌ای که آقای سیدفرید قاسمی انجام داد، در حقیقت نوعی تاریخ‌نگاری مفصلی است. یک تاریخ عمومی که بدیهی است جای آن در جامعه کتاب خالی بود. وی در حال حاضر به طور فعال و پویا و کوشا در عرصه

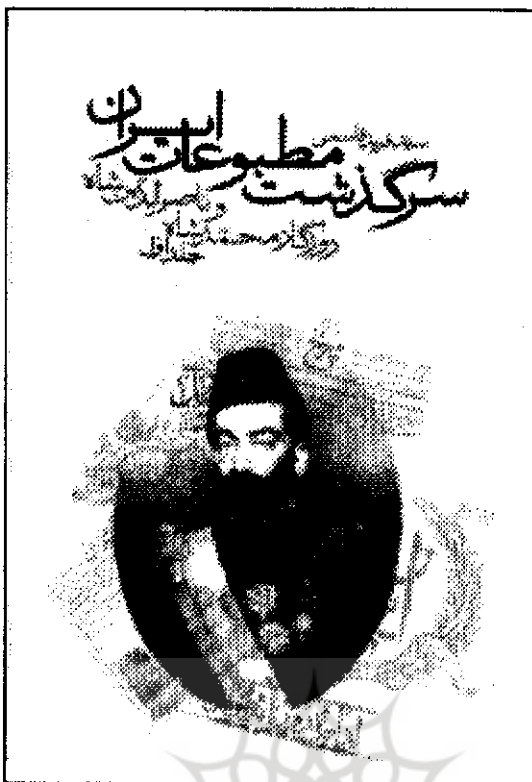
روزنامه‌نگاری قلم می‌زند، و هر از چند گاهی اثری سودبخش در این زمینه ارائه می‌دهد. سرگذشت مطبوعات ایران یک طول تاریخی ۶۱ ساله از سال ۱۲۵۲ قمری (عهد محمدشاه) تا سال ۱۳۱۳ (قتل ناصرالدین شاه) را در بر می‌گیرد. اما آقای قاسمی در مقدمه هیچ اشاره‌ای نکرده است که دنباله کار را چگونه پی خواهد گرفت، و چرا اساساً کار بررسی و تحقیق و نگارش را اینگونه رها کرده است. اگر قرار است به سرگذشت روزنامه‌نگاری در عهد مظفری و مسائل مشروطه خواهی، و وقایع مشروطه، سپس دوران استبداد صغیر و... هم بپردازد، چه موقع صورت خواهد گرفت؟

جلد اول

در جلد اول نام فصول و مسائلی که بدان پرداخته شده بدین شرح است. ابتدا سرآغاز روزنامه‌نگاری در ایران نوشته شده که طی آن به مباحث کلی راجع به نحوه شکل‌گیری و خصوصیات مطبوعات هم می‌پردازد. بعد نام پدیدآوردگان اولیه را یک به یک برمی‌شمارد، همه را معرفی می‌کند. بیش از ۴۰ صفحه در این قسمت نام و مشخصات و محل خدمت هر یک از آنان را شرح می‌دهد. مؤلف سپس ساختار اولیه و نحوه به وجود آمدن مطبوعه در عهد محمد شاه را که کاملاً دولتی و زیر نظر شاه اداره می‌شده توضیح می‌دهد، آنگاه تعریف جریده یا نشریه که به صورتهای روزنامه، مجله، جریده، مطبوعه، نشریه و شب‌نامه تجلی می‌کرده است شرح داده می‌شود و توصیف هر یک را می‌نویسد. شناسنامه نام بخش بعدی است که شامل نام، نوع و روش، هدف، ناشر، محل نشر و نشانی، تاریخ انتشار، ترتیب انتشار، زبان، شمارگان و قیمت یک نسخه نشریه است. مؤلف برای هر قسمت توضیحات کافی را نوشته است.

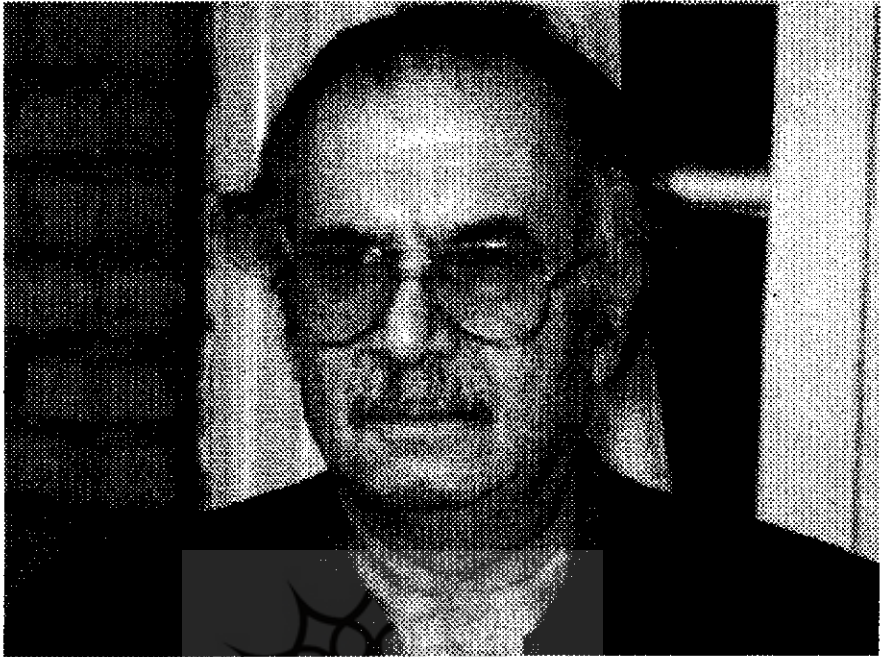
شکل نام بخش بعدی است که در این قسمت قطع و کاغذ، نحوه صفحه‌آرایی، نوع چاپ و غیره، برای هر یک توضیح لازم داده شده. بعد محتوا، که در این قسمت چگونگی نگارش و ترجمه، سپس موضوع ویرایش و ویراستاران مورد بحث قرار می‌گیرد. در این جزء نام چند تن از منشیان و ویراستاران معروف آن عهد مانند میرزا علی خان صفاء السلطنه، میرزا علی محمدخان مجیرالدوله شیبانی، میرزا محمد حسین فروغی (ذکاء الملک)، و میرزا جعفر ادیب شیرازی آورده شده (البته واژه ویرایش مرسوم در آن عهد نبوده)، بعد تیترو قالب مطبوعات تشریح می‌شود که در این جزء مطالبی که موجب شکل دهی محتوای داخلی و بدنه نشریه می‌گردیده، جدا جدا گفته شده. پس آنگاه موضوع توزیع نشریات ذکر می‌شود که غالباً به صورتهای اشتراک، رایگان و مبادله بوده، و بالاخره اینکه چگونه مطبوعات به دست خواهان می‌رسید.

سنگ‌دشت مطبوعات ایران



در قسمت حقوق که شامل قانون، آزادی، سانسور و در نهایت مسائلی که منجر به توقیف و محاکمات نشریه می‌شده، و بازتاب این امر توضیحات مبسوطی داده شده. سپس در صورت توقیف، رسانه‌هایی که جانشین نشریه توقیف شده می‌شده‌اند مانند شب نامه‌نگاری و اعلامیه‌نویسی، تصنیف سازی، سخنرانی در بالای منبر، رساله‌نویسی و مطبوعات فارسی و خارجی برون مرزی و نحوه فعالیت آنها توضیح خوبی می‌دهد.

پیوستهای هشتگانه که بیش از دویست صفحه از کتاب را در بر می‌گیرد پیوست (۱) در این پیوست زندگینامه ۳۸ تن از روزنامه‌نگاران اولیه نوشته شده. پیوست (۲) نخستین اصطلاحات که در امر روزنامه‌نگاری رواج داشته ذکر می‌شود پیوست (۳) سال نگار رویدادهای مطبوعاتی در ظرف همان ۶۱ سال (۱۲۵۲ تا ۱۳۱۳ ه. ق) یاد می‌شود. پیوست (۴) نام مطبوعات جهان که در آن ایام منتشر شده‌اند، ۵۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و از قسمتهای جالب توجه این جلد است. پیوست (۵) گزیده مقاله‌ها درباره مطبوعات و روزنامه‌نگاری که این قسمت هم حدود ۵۰ صفحه است. پیوست (۶) رساله‌ای است که مجیرالدوله با نام «تاریخ ایجاد چگونگی و احوال روزنامه در ایران» نوشته و در این بهره عیناً نقل شده است. پیوست (۷) ترجمه قانون مطبوعات عثمانی در عهد ناصری اینجا چاپ شده. پیوست (۸) صورت کتابچه قانون نظمیه و امنیه و تنظیمات که گنت دو مونت فورت رئیس نظمیه عهد ناصری نوشته و بعنوان «صورت



○ محمدرسول دریاگشت

کتابچه قانونی گنت» معروفیت دارد، و تاریخ آن سنه ۱۲۹۶ هجری قمری است در این پیوست به چاپ رسیده است.
در پایان صورت منابع (کتاب، نشریه‌های ادواری) که مورد استفاده و استناد مؤلف بوده چاپ شده است.

جلد دوم

در این جلد آگاهیهای لازم که در بردارنده اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه نشریه‌های عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه بوده به خواننده داده می‌شود. ابتدا نحوه شکل پذیری نخستین نشریه ادواری که اخبار و وقایع شهر یا (کاغذ اخبار) نام داشته و میرزا محمد صالح شیرازی مبتکر آن بود، نوشته شده و شرح داده می‌شود. اساس این نشریه نوشته‌های میرزا صالح بود که طی سالهای ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۵ می‌نوشت. میرزا صالح در سال ۱۲۳۴ از سفر اروپا به ایران بازگشت و مترجم عباس میرزا نایب السلطنه شد، و در همین هنگام چاپخانه‌ای که با خود آورده بود به برادرش میرزا جعفر سپرد، تا اینکه در سال ۱۲۵۲ «اعلام نامه» و سپس در ۱۲۵۳ اولین شماره نشریه‌اش انتشار یافت. در این باره نوشته و گفته‌اند که در سال ۱۲۴۰ اولین چاپخانه سری در تبریز تأسیس شد، و چند کتاب طی سالهای ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۵ در آن مطبعه چاپ شده

است. لازم است یادآوری کنیم که برای مرتبه اول گلستان سعدی در سال ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۸ م در تبریز با حروف سریبی چاپ شد. البته بعدها شهرستانهای اصفهان، شیراز، رشت، ارومیه هم از پیشگامان صنعت چاپ در ایران شدند که سوابق آنها را مؤلف پُرکار در این جلد برشمرده است. آقای قاسمی تاریخچه فایده بخش و شیرینی از سابقه مطبوعاتی در عهد محمدشاه را هم می نویسد.

سپس در بخش بعدی از جلد دوم که دوره ناصرالدین شاه است، مؤلف روزنامه‌هایی را که به صورت مختلف در تهران و شهرستانها منتشر می‌شده‌اند به ترتیب نام می‌برد و سرگذشت هر یک را می‌نویسد که نزدیک به ۳۰ مورد است. از مفصل‌ترین و سودمندترین بخش این کتاب است. اولین آن (البته دومین نشریه در ایران) زاهر یزادی باهرا نام داشت که مبلغین امریکایی مقیم ارومیه به زبان کلدانی به صورت ماهانه در سال ۱۲۶۵ ق/ ۱۸۴۹ م منتشر کرده‌اند. آخرین هم نشریه ناصری چاپ تبریز که طی سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ قمری منتشر گردیده. سه پیوست هم در این جلد به موضوع اصلی اضافه شده و در قسمت پایانی چاپ شده است. پیوست ۱) شامل معرفی هفت نشریه غیرادواری، کتابچه خلاصه‌ال‌اخبار، روزنامه حکیم الممالک، هاماینک (چاپ رشت، در سال ۱۲۹۶ ق)، دانش، شارژم، نشتاراک (چاپ رشت، در سال ۱۳۱۰ ق)، وطن دلی (چاپ تبریز، در سال ۱۳۱۲ ق) - مؤلف سوابق و شرح هر یک را نگاشته است. پیوست ۲) معرفی دو نشریه یکی به زبان سریانی با نام «ندای حقیقت»، دیگری نشریه ارمنی زبان در ارومیه است. البته گویا اطلاعات کافی راجع به این دو نشریه اخیر زیاد پیدا نیست. پیوست ۳) دو نشریه پنهانی: شب نامه که در سال ۱۳۱۰ ق در تبریز منتشر می‌شده، و دیگری تلقین نامه ایران که ظاهراً این یکی هم در تبریز و در عهد ناصرالدین شاه چاپ می‌شده است. صورت منابع، تصویرها (نمای سرلوحه‌های بعضی نشریات و عکس شخصیتهایی که نامشان در کتاب ذکر شده) و نمایه راهنمایی در پایان کتاب افزوده شده است.

مؤلف همچنان که رویه پسندیده هر محقق است، برای مستندسازی این دو جلد کتاب مفید و آگاهی دهنده که معتقدم معتبرترین اثر نگارشی وی است، به نوشته‌های پیشینیان و متقدمین عرصه روزنامه‌نگاری استناد جسته و ارجاع داده است و در تکمیل نوشته خود از ذکر همه گونه مآخذ فروگذار نکرده است. توضیحات لازم را در پای هر صفحه، جابجا، برای خواننده یادآوری کرده است. همچنان که در ابتدا اشاره شد مؤلف با جرأت و داشتن پشتوانه مطمئن و تجربه لازم، دست به کاری بزرگ زد، و اثری سترگ پدید آورد که امیدوارم هر چه زودتر به ادامه آن پردازد و خوانندگان و علاقه‌مندان را از بهره آن مستفیض گرداند. توفیق بیشتر آقای سیدفرید قاسمی آرزوی ماست.